

مفهوم دانش و گفتمان تربیتی

علمی مطرح‌اند، پیشرفت دانش و یا آنچه در نشر دانش اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، دانش را محتوای ذهن در نظر می‌گیرند. در این حالت درباره‌ی کسب دانش، میزان دانش افراد و مانند آن‌ها صحبت می‌کنند [برایتر، ۲۰۰۲].

به نظر می‌رسد برای حل این دوگانگی، می‌توان دو رویکرد اتخاذ کرد: رویکرد نخست به دنبال این پرسش مطرح می‌شود که: «اگر دانش در ذهن افراد نیست، پس کجا قرار دارد؟» این رویکرد ریشه در نظریه‌ی «فرهنگی-اجتماعی»^۱ و «شناخت موقعیتی»^۲ دارد. این دیدگاه از هر دو جنبه‌ی دانش پرهیز می‌کند. براساس این رویکرد، دانش نه در دنیای اختصاصی خود و نه در ذهن افراد قرار دارد، بلکه جنبه‌ای از «عمل فرهنگی»^۳ است. دانش، تولید یا کسب نمی‌شود، بلکه در اجتماعات عملی

اشاره

در شماره‌ی پیشین به تصریح مفهوم «ذهن» پرداختیم. در آن‌جا به تعریفی از ذهن اشاره کردیم که براساس آن، مهم‌ترین کارکرد ذهن، «ساختن دانش» است. در این شماره، مفهوم دانش و برداشت شخصی از آن را بررسی خواهیم کرد.

لازم به یادآوری است که در این‌جا هدف ارائه‌ی تعریفی علمی از مفاهیمی مانند ذهن و دانش نیست، بلکه نگارنده بر آن است که با طرح ایده‌های نو درباره‌ی این مفاهیم، فرصت بازاندیشی را برای معلمان فراهم سازد. در واقع هر یک از ما معلمان، برداشتی شخصی نسبت به مفاهیم داریم. این انگاره‌های شخصی - شاید غالباً به صورت ضمنی - تصمیمات ما را در کلاس درس تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، ایجاد فرصت تأمل شخصی برای بازنگری در مفاهیم بنیادی، مهم‌ترین هدف مقاله‌ی حاضر است که در تحولات نظام‌های تربیتی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند.

دانش را واجد ویژگی دوگانه‌ای می‌دانند: از یک طرف آن را چیزی فی‌نفسه واقعی تلقی می‌کنند؛ مانند آنچه در کتاب‌ها آمده است، دانستنی‌هایی که در رشته‌های

جایگاه دانش: ذهن یا خارج از آن؟ معمولاً وقتی مردم درباره‌ی دانش صحبت می‌کنند، از بیان قابل فهمی بهره می‌گیرند. آن‌ها در صحبت‌های عمومی،



است مصنوعات مفهومی را به کار ببرند، اما به کار دانشی نپردازند.

تمدن عظیم پیشرفت دانش تلقی کنند [اسکار دامالیا و برایتز، ۲۰۰۶].

دانش درباره‌ی دانش: ساختن دانش

عوامل مؤثر در تغییر نقش فراگیرندگان در جامعه‌ی مبتنی بر ساختن دانش

بین یادگیری و فرایند پیشرفت دانش در رشته‌های گوناگون، شباهت‌های اساسی وجود دارد. در طول دهه‌ی ۱۹۶۰، تلاش برای بهره‌گیری از این شباهت‌ها، به یادگیری از طریق اکتشاف، کشف راهنمایی شده، یادگیری پژوهشی، و «علم: رویکردی فرایندی» انجامید [انجمن آمریکایی پیشرفت علوم، ۱۹۶۷]. پس از این دهه، ایده‌های مهم و متنوع زیادی مانند ساختن‌گرایی اجتماعی، نظریه‌ی طرحواره، شناخت موقعیتی، پیوندگرایی و... ظهور پیدا کردند و به تبع آن‌ها، رویکردهای تربیتی نیز تغییر یافتند. گرچه این رویکردها بر جنبه‌ی هم‌پارانه‌ی پژوهش تأکید کرده‌اند، اما «دانش درباره‌ی دانش»^۱ پیامدهای بسیار زیادی در تعلیم و تربیت داشته است. ما صاحب تمدن «خلق دانش» هستیم. بنابراین، رسالت اساسی تعلیم و تربیت آشنا کردن جوانان با این تمدن و پیدا کردن نقش خود در این تمدن است.

- پیشرفت دانش، فرایندی اجتماعی است و نقش اصلی آن کمک به خلق دانش بعدی است. بنابراین، دانش تولید شده توسط دانش‌آموزان، به واسطه‌ی مطابقت با دانش پذیرفته شده، مورد داوری قرار نمی‌گیرد، بلکه معیار داوری، کمک به پیشرفت دانش است.
- پیشرفت دانش، ایده‌ای برای بهبود است. «بهبود ایده‌ها»، اصل آشکاری است که فعالیت‌های دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کند. براساس این اصل، کوشش مداوم برای بهبود ایده‌ها در کانون فعالیت فراگیرندگان قرار دارد.
- دانش چیزی، متفاوت از دانش درباره‌ی چیزی است: «دانش درباره‌ی چیزی» عبارت است از مجموعه‌ای دانش بیانی که برای بیان آن‌چه افراد درباره‌ی چیزی می‌دانند، می‌توانند بازیابی کنند. اما «دانش چیزی» دلالت بر توانایی انجام یک فعالیت یا مشارکت در آن را دارد و شامل دانش بیانی و دانش رویه‌ای است.

بنابراین، دانش چیزی عبارت است از دانشی که نه تنها قابل بیان و بازنمایی است، بلکه مشتمل بر دانش ضمنی یا شهودی است که اگرچه مستقیماً قابل اظهار نیست، اما می‌توان آن را استنباط کرد. بدین ترتیب، دانش چیزی وقتی فعال می‌شود که ما با عرصه‌ی عمل درگیر می‌شویم. دانش درباره‌ی

نهادینه می‌شود و در درون سازوکارهای چنین عملی جای می‌گیرد.

رویکرد دوم به ایده‌ی «مصنوعات مفهومی»^۲ اشاره دارد. براساس رویکرد دوم این دستاوردها همانند سایر مصنوعات، سازه‌های بشری‌اند و ابزاری برای تبیین و پیش‌بینی فراهم می‌کنند. مصنوعات مفهومی، به نوبه‌ی خود بخش عظیمی از پدیده‌هایی هستند که می‌توان نسبت به آن‌ها دانش پیدا کرد. در هر حال در هر دو رویکرد، باور به دریافت دانش به شکل منسجم‌تر، محفوظ است.

ارزش ایده‌ی مصنوعات مفهومی در این است که شیوه‌ای برای روشن ساختن «کار دانشی»^۳ ارائه می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت: «کار دانشی، کاری است که به ارزش مصنوعات مفهومی می‌افزاید.» بنابراین بسیاری از افراد ممکن

«ساختن دانش»

کوششی است برای آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ تولید دانش



ساختن دانش را می‌توان به عنوان کار خلاق با ایده‌ها تعریف کرد

منابع

1. Bereiter, C. (2002). Education and mind in the knowledge age. New Jersey: Lawrence Erlbaum.
2. Fodor, J. A. (1985). Fodor's guide to mental representation: The intelligent auntie's vade-mecum. Mind, 94, 76-100.
3. Dennett, D. (1991). Consciousness explained. New York: Little, Brown.

چیزی معادل دانش بیانی است، در حالی که دانش چیزی، مفهومی غنی‌تر از دانش رویه‌ای را در بردارد.

- گفتمان همیارانه در پیشرفت دانش نقش دارد و به سه ویژگی زیر متعهد است:
 - تعهد به پیشرفت؛
 - تعهد نسبت به فهم مشترک؛
 - تعهد به توسعه بر مبنای حقایق پذیرفته شده.

● از زمان ظهور رویکرد «دانش محور» و تعلیم و تربیت ساختن گرا، کاربرد اطلاعات معتبر برای مریبان مسئله‌انگیز شده است. از یک سو نمی‌خواهیم دانش آموزان اظهار نظرهای رسمی معتبر را بپذیرند، و از سوی دیگر، بدون استفاده از اطلاعات معتبر، نمی‌توان در یک جامعه کاری انجام داد؛ حتی اگر اعلامیه‌های رسمی معتبر چالش برانگیز باشند. بنابراین به نظر می‌رسد با استفاده از سازه‌گرایانه از اطلاعات معتبر، می‌توان برای این مسئله راه‌حلی ارائه کرد.

● فهم پدیده‌ای نوظهور، حاصل تعامل بین عناصر ساده‌تری است که به تئهای مفهوم جدید را بازنمایی نمی‌کند.

اساساً در طول تاریخ، دانش آن چیزی نبوده که در ذهن افراد است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهند که اظهارات درباره‌ی وضعیت دانش، به صورت تمدن خاص و در زمان خاص بوده است؛ بدون توجه به دانستن چیزی درباره‌ی آن چه افراد می‌دانند یا می‌اندیشند. بنابراین، نظریه‌ی «ساختن دانش» بر این فرض مبتنی است که کار دانشی خلاق و اصیل می‌تواند در کلاس درس اتفاق بیفتد؛ کاری که صرفاً تقلید

از پژوهشگران و طراحان نیست، بلکه اساساً پیشرفت دانش در اجتماع کلاس درس روی می‌دهد و آن بخشی از تلاش برای ساختن اجتماعی دانش، در سطحی وسیع‌تر است. از این رو وضعیت دانش، حالتی ذهنی یا مجموعه‌ای از حالات ذهنی نیست.

ساختن دانش را می‌توان به عنوان کار خلاق با ایده‌ها تعریف کرد. این رویکرد ویژگی‌های مشترک زیادی با رویکردهای مختلف سازه‌گرایی دارد، اما میان راهبردهای آن‌ها تفاوت‌های مهمی مشاهده می‌شود. برجسته‌ترین این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

- **تمرکز بر اصلاح ایده‌ها:** در این رویکرد، اصلاح ایده‌ها هدفی اساسی است.
- **مسئله در برابر پرسش:** راه‌حل مسائل عموماً نیازمند اصلاح مداوم‌اند.
- **شناخت ارزش اجتماعی ایده‌ها:** در ساختن دانش، کاربرد دستاوردهای مفهومی - ایده‌های توسعه‌یافته - در جوامع حائز اهمیت است. به این معنی که از دانش آموزان انتظار نمی‌رود که نظریه‌ای درباره‌ی جاذبه‌ی زمین بدهند که در برابر نظریه‌ی نیوتن مطرح شود، بلکه آن‌ها با بینش خود به زمینه‌های کاربردی جدیدی برای این نظریه دست خواهند یافت.
- **اهداف نوظهور و فراوده‌ها:** آنچه دانش آموزان تولید می‌کنند، از پیش تعیین شده نیست. بنابراین در هر مرحله از فرایند ساختن دانش، ممکن است اهداف یادگیری جدیدی ظاهر شوند.
- **کاربرد سازه‌گرایانه از منابع معتبر مانند کتاب‌های درسی:** تمامی ایده‌ها در حالت طرح و به صورت

اصلاح‌پذیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بدین ترتیب، همان‌گونه که ملاحظه کردید، تفاوت نظام تعلیم و تربیت سنتی با نظام‌های نوین، مانند ساختن دانش، در این نیست که در تعلیم و تربیت سنتی بر انتقال دانش تأکید می‌شود، اما در رویکردهای جدید بر ساختن دانش. بلکه اختلاف اساسی در مفهوم دانش است. **تعلیم و تربیت سنتی، دانش را در خارج از ذهن و به عنوان مجموعه‌ای از حقایق پذیرفته شده می‌داند.** بدیهی است با چنین انگاره‌ای از ماهیت دانش، در اهمیت و ضرورت انتقال دانش تردیدی باقی نمی‌ماند. زیرا چنانچه دانش بدین نحو در دست‌رس مریبان است، منطقی می‌توان استدلال کرد که انتقال آن موجب رشد و پیشرفت دانش آموزان خواهد شد. در حالی که وقتی دانش ماهیتاً از چنین موضعی عزل شود و دیگر نتوان برای آن چنین جایگاهی قائل شد، ناگزیر از پذیرش رویکردی خواهیم بود که در آن، همه‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به متابه عضوی از جامعه‌ی ساختن دانش به ایفای نقش خود در فرایند پیشرفت اجتماعی دانش می‌پردازند و کوشش مستمری برای بهبود مداوم آن خواهند داشت. با این حال، رابطه‌ی بین ذهن و دانش مسئله‌ی قابل تأمل دیگری است که در شماره بعدی به آن خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت

1. sociocultural
2. situated cognition
3. cultural practice
4. conceptual artifacts
5. knowledge work
6. knowledge of knowledge
7. Knowledge Building

